

سوخت ملی؛

شاخص

زیانهای ملی

جامعه‌های کنونی در هر شرایطی با سه‌گونه ریسک (=خطر) روبرو هستند که تحقق هر یک پیامدهای مالی زیانباری دارد و سبب کاهش درآمد فرد و جامعه می‌شود. این سه‌گونه عبارتند از ریسکهای اجتماعی، طبیعی و تکنولوژیکی که هر یک از آنها توضیح داده می‌شود:

• بهزاد ایتاری



ریسکهای اجتماعی؛

ریسکهایی است که از مناسبات کنونی زندگی اجتماعی در بیشتر کشورهای جهان سرچشمه می‌گیرد و از دزدی تا شورش، اغتصاب و جنگ را در بر می‌گیرد و ممکن است به دشواریها و زیانهای جبران‌ناپذیر اقتصادی و اجتماعی بینجامد و با دست کم سبب بروز آسیبهای زیانبار اما جبران‌شدنی بر فرد و جامعه شود.

ریسکهای طبیعی؛

به ریسکهایی گفته می‌شود که عوامل خطر در آنها از طبیعت و محیط زیست سرچشمه می‌گیرد؛ سیل، زلزله، تگرگ، طوفان و مانند آن از این شمارند. این گونه خطرها به طور معمول جنبه عمومی دارد و پیامدهایشان ممکن است فاجعه‌آمیز باشد.

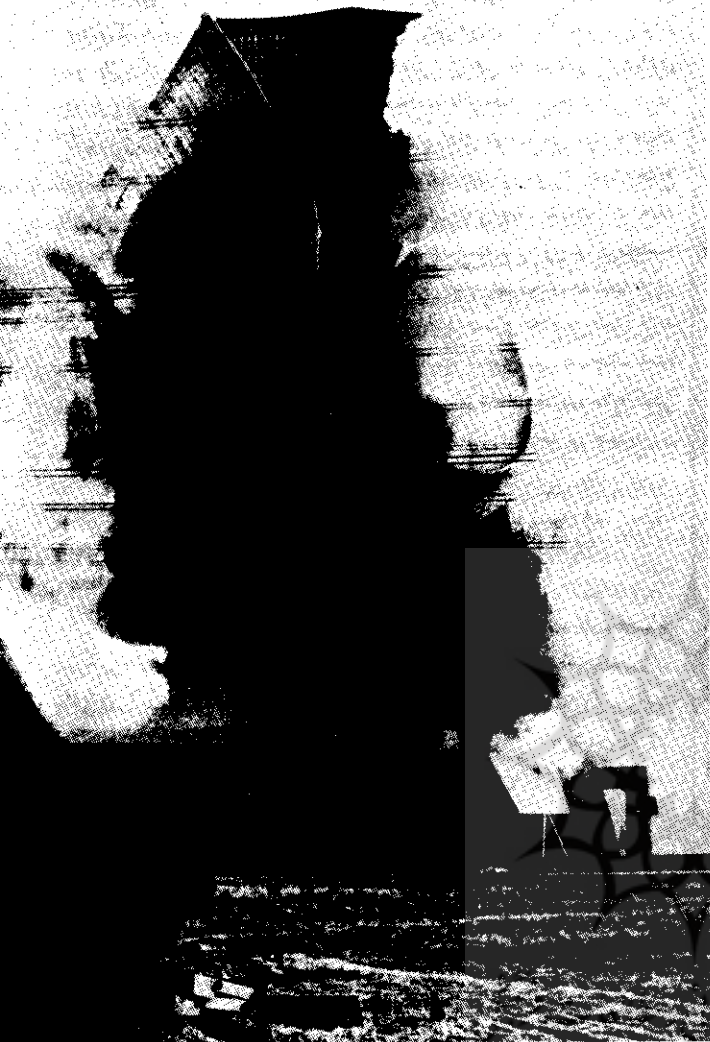
ریسکهای تکنولوژیکی؛

ریسکهایی است که از نظر نوع و تعداد به نحوه کاربرد تکنولوژی بستگی دارد. از آن جمله می‌توان از خطرهایی مانند آتش‌سوزی، انفجار، سقوط و آلودگی محیط زیست یاد کرد که مانند هر یک از گونه‌های دیگر ریسک ممکن است پیامدهای متفاوتی داشته باشد و البته گاه فاجعه‌آمیز باشد. (مانند حادثه چرنوبیل)*.

با در نظر داشتن آنچه گفته شد، آشکار است که مردم هر جامعه در هر زمان ممکن است با یک یا چند گونه خطر و ریسکهای برشمرده روبرو شوند که نداشتن اطلاع کافی از احتمال وقوع آنها یا شناخت نا کافی نسبت به آنها سبب ناتوانی افراد و جامعه‌ها در روبرویی یا ناکامی در کاستن از آسیب‌پذیریها در برابر هر گونه خطر و ریسک می‌شود.

بنابراین تعریف، ارزش مالی زیانهایی که در اثر روی دادن هر یک از ریسکهای پیشگفته در یک دوره بودجه در کشور پدید می‌آید، «سوخت ملی» نامیده می‌شود. به بیان دیگر «سوخت ملی» مجموع ارزش داراییها، امکانات و منابعی است که در اثر یک دوره بودجه در روی دادن هر گونه ریسک، تلف و نابود می‌شود. سوخت ملی در هر کشور را می‌توان برای هر دوره بودجه که به طور معمول یک سال است محاسبه کرد. بر این پایه، به عنوان مثال، باید برای محاسبه سوخت ملی در ایران خسارت‌های جانی و مالی مربوط به ترکیدن کپسولهای گاز خانگی، زلزله گیلان و زنجان، سیل سیستان و بلوچستان، مرگ و میر کودکان کمتر از یکساله و آتش‌سوزیهای مختلف را به حساب آورد. سوخت ملی به ارزش مفید داراییها و منابع از بین رفته در اثر روی دادن ریسکها

* نشت رادیو اکتیو زیانبار از نیروگاه هسته‌ای شهر چرنوبیل در روسیه که آلودگیهای خطرناکی ایجاد کرد.



قبل از پایان دوره کاربری آنها نیز گفته می‌شود.

آشنایی با مفهوم سوخت ملی و نحوه محاسبه آن می‌تواند اطلاعات دقیقی از آثار خسارت‌های وارد بر جامعه را در اختیار دولت و کارگزاران کشور قرار دهد تا توجه بیشتری به ضرورت سرمایه‌گذاریهای زیربنایی برای بقا و حفاظت از داراییها و منابع نشان دهند و برای روبرویی با عوامل آسیب‌زننده اقتصادی و اجتماعی برنامه‌ریزی کنند.

سوخت ملی با روشهای گوناگونی اندازه‌گیری می‌شود، اما به نظر ما تقسیم‌بندی گونه‌های سوخت ملی در گروههای «سوخت ملی اموال»، «سوخت ملی اشخاص» و «سوخت ملی حقوقی» به اندازه‌گیری دقیقتر سوخت ملی کمک بیشتری خواهد کرد.

سوخت ملی اموال

زیانهای مستقیم و غیرمستقیمی را که از بروز خطر ویژه‌ای سرچشمه گرفته

ورق بزنید



باشد دربرمی‌گیرد. در این تعریف، زیان مستقیم، ارزش مالی داراییها و منابعی است که به‌طور مستقیم در اثر رویداد خطر از بین می‌روند یا آسیب می‌بینند، در حالی که زیان غیرمستقیم آثار مالی کاهش بازدهی مؤسسه‌های اقتصادی در اثر زیانهای مستقیم است. برای انجام محاسبه‌های مقادیر سوخت ملی در هر یک از زیانهای مستقیم و غیرمستقیم راههای ویژه‌ای توصیه می‌شود. به‌عنوان مثال ارزش مالی زیانهای مستقیم با روشهای متداول ارزیابی داراییها و منابع اندازه‌گیری می‌شود؛ اندازه‌گیریهایی که حسابداران و حسابرسان همواره انجام می‌دهند. در حالی که اندازه‌گیری زیانهای غیرمستقیم، با روشهای محاسبه عدم نفع یا محاسبه هزینه‌هایی صورت می‌گیرد که به‌رغم توقف فعالیتها در اثر خسارتهای وارد، هنوز به وسیله مؤسسه اقتصادی پرداخت و انجام می‌شود؛ مانند هزینه‌های ثابت که با وجود تغییرات حجم فعالیتها به‌طور نسبی همچنان ثابتند و یا مبالغ مربوط به پرداخت تعهداتی که در جریان عادی فعالیتها منابع کافی برای انجام آنها فراهم می‌شده است و با سود جستن از روشهای حسابداری صنعتی و مالی برآورد آنها امکانپذیر است.

سوخت ملی اشخاص

شامل ارزش اقتصادی فعالیت اشخاص در جامعه است که به‌علت فوت یا از کارافتادگی از دست می‌رود. افزون بر این هزینه‌های درمان اشخاص برای بازآیایی کارایی آنها نیز در زمره سوخت ملی اشخاص است.

و سرانجام سوخت ملی حقوقی

به خسارتهای وارد به شخص یا جامعه در اثر رعایت نکردن حقوق دیگران یا خسارت وارد به آنان در اثر انجام وظیفه یا انجام‌ندادن وظیفه‌ای از پیش تعیین شده یا بنابه اصطلاح حقوقی خسارتهای مربوط به انجام فعل یا ترک فعل گفته می‌شود.

باید توجه داشت که سوخت حقوقی که در اثر جبران سوخت اموال یا اشخاص ایجاد می‌شود، در مجموع سوخت ملی محاسبه نمی‌شود، مگر آنکه تمامی زیانهای وارد به اموال و اشخاص، پیامد بی‌توجهی شخص یا جامعه باشد، در حالی که چنانکه در آغاز مقاله گفته شد، بسیاری از ریسکهای موجود در جامعه تنها در اثر بی‌توجهی عمدی یا غیرعمدی اشخاص ایجاد نمی‌شود، بلکه حادثه‌ها و رویدادهایی که به وسیله انسان کنترل‌شدنی نیست نیز می‌تواند سرچشمه بروز این ریسکها باشد، مانند ریسکهایی که در زمره ریسکهای اجتماعی، طبیعی و تکنولوژی به‌شمار می‌آیند و در چارچوب رابطه‌های حقوقی قرار نمی‌گیرد.

به‌رحال چنانچه اندازه‌گیری «سوخت ملی» برابر تعریفی که از آن ارائه شد امکانپذیر باشد و بتوان مقدار آن را برحسب واحد پول برآورد کرد می‌توان میزان سوخت ملی را در یک دوره بودجه محاسبه کرد.

اطلاعات سوخت ملی می‌تواند نقش درخور توجهی در برنامه‌ریزیهای اقتصادی کشور داشته باشد و بر پایه آن به‌چگونگی شیوه‌های حفاظت از جان و مال مردمان هر جامعه دست یافت.

اکنون استانداردهای سوخت ملی در جهان ملاکهای مقایسه‌پذیری برای

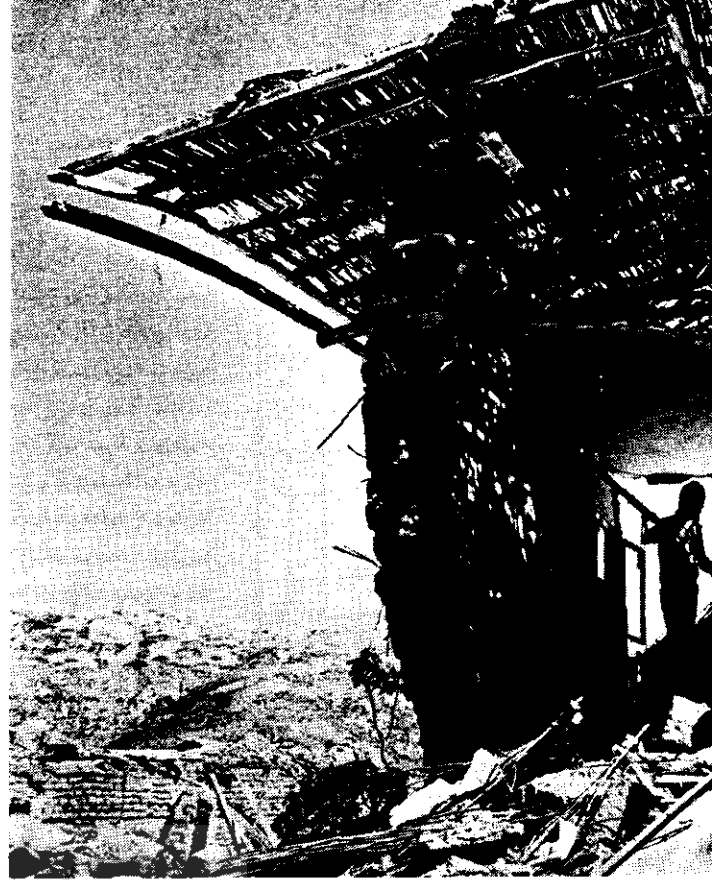
سنجش به‌دست کارگزاران اقتصادی داده است.

استفاده از این شاخصها باید با احتیاط کامل و با توجه به عوامل تشکیل‌دهنده آن و شرایط ویژه هر جامعه انجام شود در غیر این صورت ممکن است گمراه‌کننده باشد. اکنون برآوردهای انجام شده از سوخت ملی در ایران و مقایسه آن با استانداردهای جهانی نشان می‌دهد که سوخت ملی در ایران بیشتر از میانگین مطلوب در کشورهای مشابه است. این وضع نشان می‌دهد که سرمایه‌های ملی در ایران بیش از حد پیشگیری‌پذیر آن به‌هدر می‌رود. آشکار است که آگاهی از این وضع به دولت و کارگزاران آن هشدار می‌دهد که رویارویی جدی و پیگیرانه با سوخت ملی را در دستور کار خود قرار دهند و سامانه‌های مورد نیاز برای پیشگیری با کاهش سوخت ملی را در کشور پایه‌ریزی کنند. چنین سامانه‌هایی باید از فراگیرندگی کافی در کشور برخوردار باشد و حفاظت فرد و جامعه را از جنبه‌های مختلف دربرگیرد. بیگمان اثر بخشی سامانه‌های یاد شده به‌تدوین و استقرار ضابطه‌های قانونی نیاز دارد.

شناخته شده‌ترین روش رویارویی با سوخت ملی انتقال ریسک به سازمانها و مؤسسه‌هایی است که برای جبران خسارت و زیان به‌وجود آمده‌اند و مهمترین آنها شرکت‌های بیمه است که با استفاده از ذخایری که از محل حق بیمه‌های خرد افراد بسیار فراهم می‌آید، زیانهای کلان افراد اندک این گروه را جبران می‌کند. این روش سالهای بسیاری است که جان و مال و مسئولیت اشخاص حقیقی و حقوقی را تأمین بخشیده است تا در صورت بروز خطر و زیان، خسارتهای وارد را جبران کند.

سامانه بیمه‌گری کارکردی همانند نهادهای تعاونی دارد. بیمه‌گران با همگن کردن و طبقه‌بندی ریسکهای منتقل شده به آنها و انتقال تمام یا بخشی از آنها به سایر بیمه‌گران در جهان، توانایی مالی مناسب برای جبران خسارتهای وارد به بیمه‌گذاران را فراهم می‌آورند.

به‌رغم امکاناتی که نهاد بیمه در جامعه‌ها و جهان پدید آورده اما در نزدیکی به بسیاری کشورها و بویژه کشورهای توسعه‌نیافته بیشتر مردمان یا مدیران



در نمودار شماره (۱) دو مربع (x) و (y) به ترتیب به عنوان نمودار سوخت ملی و مجموع خسارت‌های مالی پرداخته شده است. که برای نزدیک شدن آنها به یکدیگر از جنبه نظری راهکارهای متفاوتی پیشینی پذیر است که از آن میان، برای مثال در یکی از راهها می توان مربع (y) را به مربع (x) نزدیک کرد، به این تفسیر که خسارت‌های پرداختنی چندان افزایش یابد که تمامی زیانهای وارد به فرد و جامعه جبران شود. دستیابی به این نتیجه مستلزم آن است که تمامی مبالغ سوخت ملی بیمه شده باشد. و راه دیگر آن است که مربع (x) را به سوی مربع (y) ببریم. یعنی آنکه میزان سوخت ملی را چندان کاهش دهیم که با خسارت‌های پرداختنی برابر شود. تحقق چنین وضعی خود موجب کوچکتر شدن مربع (y) نیز خواهد شد، چه آشکار است که مربع (y) تابعی از مربع (x) است. به بیان دیگر به این شیوه بخشی از سوخت ملی به مربع (y) منتقل می شود که در صورت کوچک شدن مربع (x)، از نظر کمی سبب کوچکتر شدن مربع (y) نیز می شود. و سرانجام راه سوم نزدیک کردن هر دو مربع به یکدیگر است. تا در نقطه‌ای به هم برسند و وضعیت مطلوب به طور نسبی فراهم شود. شواهد نشان می دهد که راه سوم طرفداران بیشتری دارد. چه در این راهکار افزون بر اینکه از میزان ضرر و زیان فرد و جامعه کاسته می شود، جریان انتقال ریسک به بیمه گر نیز صورت می پذیرد و در حسابهای ملی کشور آثار توجیه پذیرتری نسبت به سایر روشها بر جای می گذارد.

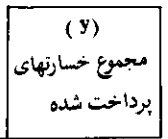
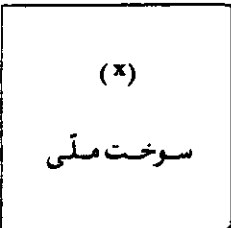
به نظر نگارنده، برای استفاده از راهکار نخست؛ یعنی نزدیک ساختن مربع (y) به (x)، جامعه به نهاد بیمه تکامل و توسعه یافته و بازار عرضه بیمه‌ای که در آن رقابت سالم جریان داشته باشد، نیازمند است تا در آن آگاههای کافی به مردم ارائه شود و به آنها در زمینه خطرها و ریسک‌هایی که جان و مالشان را تهدید می کند، توجه داده شود تا بدرستی پی ببرند که می توانند ریسک‌هایشان را با خرید بیمه نامه‌های مختلف به بیمه گران منتقل کنند. در گسترش این بینشها، دولت‌ها نیز می توانند نقش درخور توجیهی داشته باشند و به سرمایه گذارهای زیربنایی در این زمینه، تکوین نظام مطمئن بیمه گری و اطمینان بخشیدن به مردم نسبت به آینده و سرانجام تشویق و ترغیب آنان به فعالیت در این زمینه یاری دهند. مؤسسه‌های بیمه نیز می توانند با استفاده از شیوه‌های بازاریابی و کاربست روشهای مدیریت، مربع (y) را به مربع (x) نزدیک سازند.

برای نزدیک کردن مربع (x) به مربع (y) اکنون از کارکردهای مدیریت ریسک سودجسته می شود. این دانش که در دهه ۱۹۹۰ از کلاسهای درس به مؤسسه‌های صنعتی و بازرگانی راه یافت اکنون به عنوان یکی از مؤثرترین ابزارهای سرمایه گذاری و حفاظت از تداوم فعالیت‌های اقتصادی، روشهای متعددی را برای کاهش و پیشگیری بروز خطر به دست داده است. مدیران ریسک در مؤسسه‌های صنعتی و بازرگانی با شناسایی مراکز تجمع خطرها و

بقیه در صفحه ۳۷

مؤسسه‌ها هنوز با بیمه، کارکردها و سودمندیهای آن چنانکه باید آشنا نیستند و در نتیجه تمامی سوخت ملی در چنین جامعه‌هایی جایگزین یا جبران نمی شود. در ایران نیز مردمان و مدیران مؤسسه‌های اقتصادی آگاهی کافی در زمینه فایده‌های بیمه کردن داراییها، منابع و مسئولیتها ندارند. چنانکه این چگونگی سبب شده است که خسارت‌های وارد به جان و مال مردم جبران پذیر نباشد و هر زمان در معرض آسیبهای گوناگون قرار گیرد پیامدهای اقتصادی نامطلوبی مانند گسترش فقر و افزایش هزینه‌های دولت داشته باشد، و سرانجام رشد و توسعه اقتصادی جامعه را با دشواریهای جدی روبرو کند.

پیامدهای نبود برنامه ریزی مؤثر برای پیشگیری از افزایش سوخت ملی، ایجاب می کند که در هر جامعه الگویی مناسب به این منظور تدوین شود و به اجرا درآید. چنین الگویی باید از دو ویژگی مهم برخوردار باشد، نخست آنکه شرایطی را فراهم سازد که انتقال ریسک از بیمه گذار به بیمه گر به طور کامل انجام شود و هیچ زیانی جبران نشده باقی نماند و دوم آنکه مکانیسمهای مؤثر برای جلوگیری از رویداد خطر در آن پیشینی شود. روشنگری این چگونگی را در چارچوب الگویی فرضی برمی رسیم و فرض می کنیم که میزان سوخت ملی ایران در سال، مقدار (x) و مجموع خسارت‌های پرداخت شده توسط بیمه گران یا نهاد‌های همانند، مقدار (y) باشد. در چنین وضعی الگوی مناسب برای پیشگیری و کنترل سوخت ملی باید ما را به سمتی راه برد که (x) و (y) با هم برابر و از نظر مقدار به هم نزدیک شوند. در حالی که برآوردهای کنونی و مقایسه میزان سوخت ملی و خسارت‌های پرداخت شده به وسیله بیمه گران وضعیت نمادین نمودار (۱) را باز می نمایاند:



نمودار شماره (۱)